

بررسی مبانی فقهی شورا

□ محمدحسن، محقق *

چکیده

بحث از مبانی فقهی شوری یکی از مباحث بسیار قابل توجه و ارزنده است که این فرآیند، بحث اساسی و مبانی شوری را از نظر گاه فقهی جستجو نموده است و در عین حال با توجه به آیات و روایات که صراحتاً دلالت کننده بر فرمان شوری است و همین گونه با عنایت به حکم عقل و سیره پیامبر و امامان معصوم، سیره عقلاء بیانگر مبانی و اساس نظری شوری از منظر فقهی می باشد و از طرفی می بینیم که شوری يك اصل بلند می باشد و از جایگاهی رفیع در منظومه فکری و نظامند کردن جوامع بشری برخوردار است که همه افراد جامعه چه از نخبگان علمی، سیاسی و اجتماعی به آن عنایت دارند و شوری را در نظام زندگی بشر ضروری می دانند. باروش تحلیلی- توصیفی در صدد اثبات منظومه مبانی فقهی و شورا برآمده است و بالاخره ثابت کرده است که بنیان محکم و استوار و مبانی مبرهن فقهی آن از منبع زلال وحی و حکم عقل و سیره عقلاء سیراب گردیده است. یک اصل با جلالی است که خدای بزرگ برای بهترین عبدش رسول اکرم و او به تمام عالم ابلاغ فرموده است. از این جهت است این چشمه زلالی و حیانی (شاورهم فی الامر) یا (امرهم شوری بینهم) می فهماند که شوری اتصال به آفریننده جهان دارد و زیر بنای آن محکم و استوار است، هیچ گونه تزلزلی در آن راه ندارد.

کلیدواژه‌ها: مبانی، فقهی، شورا، آیات، روایات .

مقدمه (تبیین مسأله)

بی‌تردید اصالت شورا در نظام اجتماعی بشر معقول و پسندیده است؛ زیرا که نظر خواهی از دیگران و دخالت دادن آنان نسبت به یک امر و پرهیز از تک‌روی و استبداد رأی می‌باشد؛ چرا که عقل‌ها متفاوت و فهم‌های گوناگون است و تجربیات زندگی فردی و اجتماعی افراد همسان نیستند و استمداد از آن‌ها در حل مشکلات مربوط به امور انسان‌ها و کشف مجهولات آنان ضرورت دارد.

بدین‌سان، شور و مشورت از لحاظ عقلی و ضرورت عملی بر فرایند رشد زندگی بشر و ساختارهای اجتماعی و شخصی آن، به عنوان نماد اصلی تعالی بخش مطرح است که انسان موجودی اجتماعی است و لذا امور زندگی او نیز باید به طور جمعی، تعاونی و مشاوره‌ای جریان پیدا کند و حل و فصل شود. بدین جهت از لحاظ روند عقلی و به طور طبیعی ضرورت شورا غیر قابل انکار می‌باشد و اگر افرادی از این طریق عقلانی سرباز زنند، دلیل بر غرور و خودخواهی آنان خواهند بود و در نظر عقلاء محکوم شناخته می‌شوند.

دین اسلام نیز چون آئینی است که با واقعیت‌های توجه دارد، قضاوت‌های درست عقلانی را نفی نمی‌کند؛ بلکه عقل را، یکی از راه‌های شناخت معارف و اصول دین می‌داند و او را برسمیت می‌شناسد. بالاخره در این مورد نیز نظر مثبت دارد و برای اداره امور مسلمانان به مسأله شورا تکیه نموده و به آن اصالت داده است. در منابع متون اسلامی از «استبداد رأی» و تک‌روی سخت منع شده و به استشاره مأمور و تشویق شده است.

بنابراین بجا و شایسته می‌نمایاند، این اصل شورا را که از ضروریات قاموس زندگی بشر می‌باشد و اسلام هم روی آن توصیه و تأکید نموده است. به هر حال، به مبانی فقهی شورا، به اندازه توان، وسع و محدوده‌ای این مقاله پرداخته می‌شود.

مفاهم

الف) معنای لغوی شورا

با بررسی تعاریفی که برای (شورا) شده می‌توان چنین نتیجه گرفته که معنای عمومی و کلی

شوراء عرضه کردن و یا نشان دادن چیزی نیکو و نفیسی است که پوشیده و پنهان باشد «عرض الشیئ و اظهاره» (احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ص ۲۲۶)

بیشتر کتاب‌های لغت، اصل معنایی شور و مشورت را بیرون و استخراج عسل از کندو و یا شکاف کوه دانسته‌اند. (زبیدی، ۱۳۷۳، ص ۳۱۹) در این مفهوم، عرضه کردن و ظاهر نمودن چیزی نفیس و خالص از درون محفظه محدودی به خوبی آشکار است. مقایسه اللغة درباره شورا می‌گوید: «شور» الشین و الواو و الراء اصلا من مطردان الاول، منها ابداء شیئ و اظهاره و عرضه و الآخر آخذ شیئ فالاول قولهم شرت الدابة شورا اذ عرضتها... و الباب الآخر قولهم: شرت العسل آشوره. «شور، (شورا) شین و واو و راء دو اصل شایع دارد: اولین آن دو نشان دادن چیزی و اظهار و عرضه آن است و دیگری گرفتن چیزی، پس اولی {مانند} گفته ایشان است که: شرت الدابة ثوراً هنگامی که آن را عرضی داری ۰۰۰ و باب دیگر این گفته ایشان است که شرت العسل آشوره (احمد ابن فارس، همان)

«التشاور والمشاوره والمشورة استخراج الراي بمراجعته البعض الى البعض من قولهم شرت العسل اذا اتخذته من موضعه واستخرجته منه ۰۰۰» مشورت آن است که انسان از میان اشیای متعدد چیز خاصی را انتخاب و عصاره گیری کند؛ مانند استحصال عسل از میان موم، رأی ناب از میان آرای گوناگون شناسایی و برگزیده می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۴۳۹)

ب) معنای اصطلاحی شورا

کلمه «اشاره» نیز از مشتقات همین کلمه است، در اشاره کردن انسان منظره یا موضوع مخفی و مجهولی را برای شخص بی اطلاع آشکار و اظهار می‌کند. (لک زایی، بی تا، ص ۱۴۹)

«مشورت» در آن است که از میان اشیای متعدد چیز خاصی را انتخاب و عصاره گیری کند؛ مانند استحصال عسل از میان موم، بامشورت، رأی ناب از میان آرای گوناگون شناسی و برگزیده می‌شود. (راغب اصفهانی، همان)

به عبارت دیگر حقیقت مشورت عبارت است «از طرح محققانه و صادقانه، محور گفتگو و ارائه صحیح آن، به فرد یا افراد مورد شور، امکان تحقیق و تفحص از منابع لازم برای عضو از

اعضاء شورا»، (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱)

بنابراین در معنای شور و مشورت مفاهیمی چون «توضیح، تبیین، تنویر و تعریف نهفته است. بدین جهت به مفهوم و کارکرد شورا و مشاوره در ابعاد سیاسی و اجتماعی آن، بهتر پی می‌بریم، گوئی همچنان که عسل صاف و خالص از کندو، با دقت و شور هماهنگی استخراج می‌گردد، یافتن راه حل در معضلات و مشکلات جوامع بشری، نیز جز در سایه مشورت و مساعدت فکری امکان پذیر نیست»، (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۴۵۱)

یا به تعبیر دیگر شورا عبارت است از اظهار نظر خواستن از دیگران و دخالت دادن آن‌ها نسبت به يك امر و پرهیز از تك روی و استبداد و خود رأیی می‌باشد. (همان)

اهمیت و ضرورت مشاوره در اسلام

موضوع مشاوره در اسلام با اهمیت خاصی تلقی شده است. «پیغمبر اکرم با این که قطع نظر از وحی آسمانی آنچنان فکر نیرومندی داشت که نیازی به مشاوره نداشت، برای اینکه از یکسو مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه بسازد، تا آن را جزئی از برنامه‌های اساسی زندگی خود قرار دهند. از سوی دیگر نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهد. در امور عمومی مسلمانان که جنبه اجرای قوانین الهی داشت (نه قانونگذاری) جلسه مشاوره تشکیل می‌دادند، مخصوصاً برای رأی افراد ارزش قائل بود.»، (مکارم، ۱۳۵۳، ص ۱۴۴) با توجه به آیات شورا می‌توان نتیجه گرفت که «مشورت در امور بر ائمه اطهار علیهم‌السلام و نوابان ایشان و کلیه مدیران و تصمیم گیرندگان در نظامی اسلامی لازم است؛ زیرا وقتی شخص پیامبر با وجود علم لدنی به مشورت با اصحاب خود مأمور می‌گردد، دیگران بویژه افراد غیر معصوم به طریق اولی مأمور به مشورت بوده و مشاوره با صاحب نظران، بر آنان امری لازم خواهد بود»، (نائینی، ۱۳۶۱، ص ۸۲)

قلمرو مشورت

قلمرو مشورت مطلبی است که «اولاً، در اختیار مستشیر باشد. ثانیاً، بتواند از رأی دیگران استمداد کند و چیزی که اصلاً در اختیار کسی نیست که اظهار نظر کند؛ چگونه می‌تواند درباره آن، با دیگران مشورت کند؟ حکم شرعی به استناد توحید ربوبی و برهان ضرورت

وحی و نبوت منحصرأ به اراده و علم ازلی خداوند مربوط است «ان الحكم الا لله» و احدی در حریم قانونگذاری دین، راه ندارد. بر این اساس، درباره حکم شرعی یا موضوع مستنبط شرعی هیچ مجالی، برای مشورت نیست؛ نه برای پیامبر ﷺ نه برای امام معصوم نه برای مجتهد جامع الشرایط استنباط و فتوا؛ اما حوزه مباحات، موضوعات غیر مستنبط از منابع دینی اضلاع واجب تخیری نقلی، مصادیق واجب تخیری عقلی و مانند آن که مستقیماً به حکم شرعی باز نمی گردند. بالاخره قلمرو، ولایت نه رسالت، می تواند منطقه مشورت باشد و در این جهت فرقی بین مسایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و نظامی نیست. مشورت تنها در موضوعات است نه احکام؛ زیرا احکام فقط در حیطه اراده و تصمیم الهی است و دیگران در آن سهمی ندارند.»، (جوادی، پیشین صص ۱۵۲-۱۵۳)

مبانی فقهی شورا

درباره اصل شورا در اسلام قطع نظر از عمل خود پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام «یک سوره قرآن بنام شورای و سه آیه و قریب دویست روایت وارد شده است.»، (منتظری، ۱۳۶۷، ص ۴۵۱) در این جا ما، به نقل آن آیات و چند روایت بسنده می کنیم؛ ما در قرآن کریم سوره ای به نام «شوری» داریم که در آن مشورت در امور، از جمله فرائض و از ویژگی هایی مورد عنایت شارع به شمار آمده است.

۱. شوری آیه ۳۸

خدای متعال در قرآن کریم، در باره شورا می فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»، (شوری، ۳۸) آنانکه امر خدا را اطاعت و اجابت کردند و نماز بپا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام دهند و از آنچه روزی کردیم به فقیران انفاق می کنند. این آیه دلالت بر جلالت جایگاه مشورت دارد؛ چون آن را، به همراه ایمان و به داشتن نماز ذکر کرده است. آیه دلالت بر این دارد که ما مأمور به آن هستیم. (جصاصی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۶)

مرحوم طبرسی، در مجمع البیان می گوید: «این آیه بر فضیلت داشتن مشاوره، در کارها

دلالیت دارد و از پیامبر روایت شده که فرمودند: هیچ مردی نیست که با کسی مشورت کند، مگر اینکه به رشد و صواب هدایت گردد.» (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۳۳)

در شریعت مقدس اسلام امر مشورت تا آنجا مورد اهمیت است که خداوند تبارک و تعالی، پیامبر ﷺ بزرگوارش را با اینکه معصوم است و با منبع وحی پیوند دارد، به مشورت با اصحاب و نظرخواهی از آنان مأمور می‌کند - و سیره آن حضرت نیز همواره بر این اساس بود - اگرچه عزم و تصمیم نهائی برای آن حضرت باقی می‌ماند. خداوند متعال در آیه (۱۵۹) آل عمران، به پیامبر دستور می‌دهد که با مسلمانان در امر مهم مشورت کند.

۲. آل عمران آیه ۱۵۹

خدای سبحان در قرآن کریم، به اهمیت و ضرورت امر مشورت چنین لطیف و زیبا بیان می‌نماید: «...وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» در کار با آنان مشورت نما، پس آنگاه که تصمیم گرفتی به خداوند توکل کن که خداوند کسانی را که به وی اعتماد کنند دوست دارد.

در این آیه شریفه «و شاورهم فی الامر» اگرچه برحسب لغت و مفهوم واژه «امر - کار» است همه کارهای فردی و اجتماعی، اعم از کارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی را شامل می‌گردد و مشورت نیز در همه این امور؛ حتی در کارهای فردی مهم، بسیار نیکو و بجاست و لکن متبادر از مشورت درکارها و قدر متقین از آن، همان مشورت در اداره جامعه و امور حکومتی است.

آیت الله منتظری در این باره می‌گوید: «مراد از امر در آیه شریفه امر حکومتی است و برای اثبات این مدعا، استدلال می‌کند به چند روایت از پیامبر ﷺ و امیر المؤمنین (علیه السلام) نامه امام حسین (علیه السلام) به معاویه که مقصود از امر، امور حکومتی است.» (منتظری، همان، ۷۸)

آنچه از پیامبر نقل شده که فرمود: «لَنْ يَفْلَحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ»، (فیض الاسلام، ۱۳۷۳، ۵۱) هرگز پیروز نخواهد شد قومی که زنی امر آنان را، به عهده بگیرد. آنچه از امیرالمؤمنین روایت شده که فرمود: «فلما نهضت بالامر نكث طائفة...»، (اصفهانی، بی‌تا، ص ۵۶)

امام، فرمود: آنگه که من به امر اداره حکومت قیام کردم عده‌ای پیمان شکستند. همین‌طور نامه امام حسن (علیه السلام) به معاویه آمده است که فرمود: «ولا نئی المسلمون الا مر بعده» امام فرمود: ای معاویه، پس از آن که مسلمانان مرا به ولایت امر (حکومت) برگزیدند؛ اما، توسرکشی کردی. (مکارم، ۱۳۷۷: ۱۱۳).

بنابراین، مراد از امر در آیه شریفه، مربوط به امور حکومتی است. بدیهی است شورا در مسائلی است که حکم خاصی از سوی خداوند نازل نشده باشد. به تعبیر دیگر، مشورت همیشه در موضوعات است، نه در احکامی که دستور آن از سوی خداوند صادر شده است. به هر حال در محدوده‌ای که در بالا بیان شد، یک اصل سیاسی در اسلام است. تعبیر به «امر» اشاره به کارهای مهم، مخصوصاً مسایل مورد نیاز جامعه است. قرآن کریم نه تنها مشاوره را در موارد کارهای مهم اجتماعی، امور سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی تأکید دارد؛ بلکه در امور مهم مربوط به نظام خانواده (اجتماع کوچک) نیز دستور به مشورت داده است. از جمله در بازگرفتن کودک از شیر قبل از فرا رسیدن دو سال کامل اشاره به اصل مشورت می‌کند.

۳. بقره آیه ۲۳۳

خداوند کریم، در امر مشورت مرد و زن راجع به شیر دادن کودک، در قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «... فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا...» (بقره، ۲۳۳) هر گاه آن دو (پدر و مادر) با رضایت یکدیگر و پس از انجام مشورت بخواهند کودک را زودتر از دو سال از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست.

این آیه در باره صلاح و مشورت زوجین برای از شیر گرفتن کودک است و این امر نشان می‌دهد که توصیه اسلام به مشاوره در مسایل جزئی، چنین اهمیت دارد و چه رسد از مثل چنین جریانی که از اهمیت و ضرورت بالاتری برخوردار است. در مسایل مهم‌تر و امور عمومی جامعه امر مشورت بیشتر روشن می‌شود.

بدین‌سان، می‌توان گفت که طبیعت مشورت ایجاب می‌کند که هاله‌ای از ابهام اطراف

موضوع مورد مشورت را فرا گرفته باشد و فرد مشورت‌گر بخواهد در پرتو اصطكاك افكار، حجاب جهل را پاره کرده تا سیمای حقیقت را مشاهده کند.

روایات مشورت

روایاتی که پیرامون شوری و مشورت و ضرورت توجه و عنایت به آن وارد شده است، از طرق فریقین (شیعه و سنی) بسیار است که برخی از آن‌ها را به عنوان نمونه یادآوری می‌نماییم. در احادیث اسلامی، چه احادیثی که از شخص پیامبر نقل شده، یا از پیشوایان معصوم دیگر، اهمیت فوق العاده‌ای برای این امر ذکر شده، تا آنجای که در حدیث نبوی معروف به عنوان یکی از اسباب حیات جامعه، و ترك مشورت را یکی از اسباب مرگ جامعه معرفی می‌فرماید. (مکارم، پیشین، ص ۱۱۴)

پیامبر گرامی اسلام، نسبت به امر مشورت فرمود: «اذا كان أمرائكم خياركم و اغنيائكم سمحائكم و امرکم شوری، بینکم فظهر الارض خیرلکم من بطنها و اذا كان امرائکم شرارکم و اغنيائکم بخلائکم و لم یکن امرکم شوری بینکم فبطن الارض خیرلکم من ظهرها»، هنگامی که زمامداران شما نیکان شما باشند، توانگران شما سخاوتمندان، کارهایشان به مشورت انجام گیرد، در این موقع، روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است (و شایسته حیات و زندگی هستید) ولی هرگاه زمامداران بدان شما و ثروتمندان، افراد بخیل باشند و درکارها مشورت نکنید، در این صورت زیر زمین از روی آن، برای شما بهتر است. (منتظری، پیشین، ص ۸۰) در کتاب عیون، از امام رضا (ع) با سند آن حضرت از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمود: «من جائکم یرد ان یفرق الجامعه و یغصب الامه امرها و یتولی من غیر مشورة فاقتلوه، فان الله قد اذن ذالک». (صدوق، ۱۳۷۲، ص ۱۰۷) کسی که می‌خواهد جماعت شما را متفرق، امر امت را غصب کند و بدون مشورت بر مردم حکومت راند، او را بکشید که همانا، خداوند چنین قتلی را مجاز شمرده است. مرحوم مجلسی، نسبت به روایات مزبور، چنین بیان دارد که «از این روایات چنین اسفاده می‌شود که توجه و عنایت اسلام به مشورت دراصل، به عهده گرفتن حکومت و یا اعمال ولایت در جامعه می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۴) اهمیت مشورت، تا آن پایه است

که علی «علیه السلام» فرمود: «الاشارة عين الهداية وقد خاطر من استغنى برأيه» مشورت عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود قناعت کند خویشتن را به خطر انداخته است.» (عاملی، ۱۴۱۴، ص ۴۲۴)

در حدیث دیگری، از آن حضرت می‌خوانیم « لا يستغنى العاقل عن المشاورة»، (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۷۸) انسان عاقل خود را بی‌نیاز، از مشورت نمی‌بیند و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود: «من شاور ذوی العقول استفاء بانوار العقول»، (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰) هر کس با خردمندان مشورت کند، از نور خرد آن‌ها روشنی می‌گیرد. امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت نموده که فرمود «قیل یا رسول الله ما الحزم؟ قال: «مشاورة ذوی الرأی و اتّبا عهم»، (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۹) به پیامبر گفته شد حزم (محکم کاری) چیست؟ فرمود «مشورت با افراد خردمند و پیروی از آنان.

در نهج البلاغه آمده است «لا مظاهر اوثق من المشاورة»، (دشتی، ۱۳۹۳، ص ۴۰۳)، هیچ پشوانه‌ای مطمئن‌تر از مشورت نیست. پیامبر می‌فرماید: «لن يهلك امرؤ على المشورة»، (برقی، ۱۴۱۶، ص ۴۳۶) کسی که بر اساس مشاوره و شورا عمل کند هرگز به هلاکت نمی‌رسد. امام علی علیه السلام در جای دیگری می‌فرماید: «من شاور ذوی الالباب دلّ علی الصواب» آن که با صاحبان خرد مشورت کند به راه صواب هدایت می‌شود. (مکارم، پیشین، ص ۱۶۹) پیامبر بزرگوار اسلام فرمود: «ما ثقی عبد قط بمشورة ولا سعد باستغناء رأی» هیچ کس هرگز با مشورت، بدبخت و با استبداد رأی خوشبخت نشده است.»، (مکارم، پیشین، ص ۴۶۲) در حدیث پر معنایی از پیامبر گرامی اسلام می‌خوانیم «.أنه ما من رجل یشاور احداً الا هدی الی الرشده» احدی در کارهای خود مشورت نمی‌کند، مگر اینکه به راه راست و مطلوب هدایت می‌شود. (شکوری، ۱۳۷۷، ص ۲۵۰)

سیره پیامبر و ائمه

تا این جا، با اساس «شوری در اسلام» از دیدگاه آیات و روایت آشنا شدیم و الان با چند مورد از شوراهایی که توسط پیامبر اسلام تشکیل شده‌اند آشنا می‌شویم. پیامبر با اینکه معصوم بود؛ ولی عملاً مشاوره می‌کرد و از دیگران نظر خواهی می‌نمود، تا

این شیوه بین مردم رواج پیدا کند و سنت شود. ائمه معصومین «علیه السلام» نیز چنین بودند و با اصحاب و یاران خود مشورت می‌کردند. یکی از شوراهاى معروف پیامبر اسلام «شورای نظامی و جنگی بدر» می‌باشد. پیامبر این شورا را در آستانه جنگ بدر در صحرا تشکیل داد و در مورد نحوه جنگ، با اصحاب به مشاوره پرداخت و برخی از پیشنهادهای آنان را به کار بست. (مکارم، پیشین، ص ۱۶۸)

یکی دیگر از شوراهاى پیامبر اسلام را در جنگ احد مشاهده می‌کنیم که با مردم مشورت می‌نماید. (شکوری، پیشین، ص ۲۵۱)

همین‌طور «شوری دفاعی خندق» بود که قبل از جنگ خندق (احزاب) در مدینه تشکیل داد و از یاران خود نظر خواهی کرد که چگونه؛ در مقابل دشمن مهاجم (احزاب) بر دفاع از حریم اسلام و شهر مدینه بپردازد؟ در این شوری پیشنهاد حفر خندق و کانال در اطراف شهر ارائه و پذیرفته شد و همه اطراف شهر را خندق کردند و پر از آب نمودند. (حکیمی، ۱۴۰۱، ص ۱۶۵)

مشورت امام صادق علیه السلام با فضیل، فضیل می‌گوید: امام صادق «علیه السلام» روزی راجع به کارهایی با من مشاوره کرد. من از آن حضرت پرسیدم، شخصی مانند من، مورد مشورت شما قرار بگیرد؟ فرمود: آری وقتی که با تو مشاوره می‌شود اظهار نظر کن. (طالقانی، ۱۳۵۹، صص ۴۷۳-۴۷۴)

به هر صورت، بخاطر محدودیت این نوشتار، به همین مقدار از سیره مشورتی پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین بسنده می‌نماییم؛ اما آنچه که از سیره پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه (صلوات الله علیه اجمعین) استفاده می‌شوند، مشاوره، در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با آنکه رسول اکرم با قطع نظر از وحی آسمانی فکر نیرومندی داشت که نیاز به مشاوره نداشت؛ ولی او می‌خواست با مشورت‌هایش، اهمیت مشاوره را برای مردم تبیین کند و آن را جزء برنامه‌های اساسی زندگی آنان، قرار دهند. و از سوی دیگر، نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهد، تا آن‌جا که گاهی از رأی خود برای احترام آن‌ها صرف نظر می‌نمود.

بدین سان، مجموع این آیات و روایات و سیره پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین این برون داد را تبیین می‌نمایند که نظام شورایی در اسلام اصالت دارد و کارها باید بر اساس مشاوره

انجام بگیرد. از مسلمانان باید برای اداره امورشان نظر خواست و آنان را مورد مشورت قرار داد و در سطوح مختلف فرآیند زندگی اجتماعی مشارکت وسیع مشاوره‌ای داشته باشند، تا بتوانند با این عمل سد محکمی را در مقابل تك روى، استبداد رأى و بی‌اعتنایی نسبت به مسأله مشاوره و شورا در جامعه بوجود بیاورند که موجب هلاکت و بدبختی و دور از حق نشوند. از موارد دیگر عمل به شوری و نظر خواهی از عقلا موجب هدایت به راه صواب و درستی خواهد شد. علاوه بر مطالب فوق مشورت متضمن اهداف و آثار بسیاری است که از آیات و روایات و سیره پیامبر و ائمه معصومین قابل استنتاج می‌باشند، به هر صورت پیامبر با داشتن نیروی عصمت موظف می‌شود، با اصحاب خود به مشاوره بپردازد. از طرفی دیگر، پیامبر به سبب این نیرو، درك صحیحی از وقایع و حوادث، توجه به این داده‌ها و پرثمر شورا دارد که بر اثر تصادم نظریه‌ها، بر این عقل افزوده می‌شود، مسلماً فایده خواهد داشت.

دلیل عقلی

یکی از اصول مهمی که برای نظام اسلامی در اندیشه اسلامی مطرح است، حفظ و رعایت مصالح نظام است. با توجه به این که رعایت مصلحت مسلمانان بر تمامی مدیران و کارگزاران نظام اسلامی واجب است و انجام این وظیفه نیز در بسیاری از موارد جز به وسیله مشورت با خردمندان و متخصصان مسیر نیست، به وضوح می‌توان نتیجه گرفت که مشورت در امور، بر کلیه کارگزاران و تصمیم گیرندگان واجب است. البته این نوع مشورت الزاماً در عده‌ای محدود نخواهند بود. شیوه‌های مشورت با توجه به زمان‌ها و مکان‌های مختلف فرق خواهند داشت. (طالقانی، ۱۳۶۱، ص ۳۹۴)

دلالت دلیل عقل بر مطلوب، با دشواری‌هایی همراه است. عقل برای طی کردن مسیر زندگی فردی و اجتماعی بویژه، در مواقع احساس پیمودن راه صواب و یا اقرب به سوی صواب راترجیح می‌دهد و لا اقل ترجیح مرجوح را قبیح می‌داند. از طرف دیگر نیز به طور مسلم در مجموع وقایع دیدگاهی مبتنی بر مشورت، با دیگران از دیدگاه يك فرد - بدون مشورت با دیگران - به درستی نزدیک‌تر و از خطا دورتر است. از این رو عقل بر لزوم مشورت حکم می‌کند. (قاضی زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱)

بناء عقلا در مشورت

انسان دارای محدودیت‌هایی در فکر و اندیشه است و هیچ‌کسی جز ذات احدیت و آنان که از علم غیب خبر دارند؛ نمی‌تواند ادعای احاطه به تمام جوانب امور را داشته باشند. انسان‌ها به یکدیگر احتیاج دارند، تا در سایه تبادل نظر فکری و مشورت و نظرخواهی از افراد خیر؛ نظری صائب اتخاذ نمایند. بر همین اساس انسان از دیرباز به این نقص خود متوجه بوده و درصدد برآمده است که با مشورت با دیگران، کمبودهای فکری خود را جبران کند یا فکر خود را ارتقا بخشد. (شهریاری، ۱۳۸۵، ص ۶۹).

بنا بر این، لازم است بعد از بررسی آیات و روایات، دلیل عقلی و سیره عقلا، به شرایط مشاوره نیز پرداخته شود؛ از این رو به چند مورد به عنوان نمونه اشاره می‌نمایم.

شرایط مشاوره

مسلم است که هر کس نمی‌تواند طرف مشورت قرار گیرد؛ زیرا گاه آن‌ها نقاط ضعفی دارند که مشورت با آن‌ها مایه بدبختی و عقب افتادگی است. چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: با سه طایفه مشورت نکن:

۱. «لا تدخلن فی مشورتک بخيلاً يعدل بك عن الفضل و يعدك الفقر» با افراد بخیل مشورت نکن؛ زیرا تو را، از بخشش و کمک به دیگران باز می‌دارند و از فقر می‌ترسانند.
۲. «و لا جباناً يضعفك عن الامور» همچنین با افراد ترسو مشورت نکن؛ زیرا آن‌ها تو را از انجام کارهای مهم باز می‌دارند.
۳. «و لا حريصاً يزين لك الثرة بالجور» و نیز با افراد حریص مشورت نکن که آن‌ها برای جمع‌آوری ثروت و یا کسب مقام، ستمگری را در نظر تو جلوه می‌دهند. (دشتی، پیشین، ص ۳۵۱)

اهداف مشورت

الف) شخصیت دادن به امت

مشورت رهبر و کارگزار نظام اسلامی با مردم، نشان می‌دهد که رهبر و حاکم بر آنان توجه دارد

و حتی برای رأی و نظرشان ارزش قائل است. بر این اساس، افراد در جامعه احساس مسئولیت می‌کنند و حس مشارکت جوی در امور در آنان تقویت می‌شود و این خود بر استحکام حکومت در مقابل حوادث داخلی و خارجی می‌افزاید و ضریب امنیت را بالا می‌برد. (شکوری، پیشین، ص ۲۵۲)

ب) آزمایش

شناخت صاحب نظران دقیق و متخصص از سایر افراد که دقت نظر کمتری دارند. همین طور، جدا شدنی افراد خیرخواه مؤمن و دلسوز، از افراد فرصت طلب و ماجراجو منافقان و دروغگویان می‌باشند. (طالقانی، پیشین، ص ۳۹۴)

ج) رشد فکری

مشورت رهبران با مردم موجب می‌گردد که آنان فکر و اندیشه خود را به کار انداخته و حاکمان، نیز بدین وسیله در جستجوی راه، بر می‌آیند. بدین ترتیب، مردم نیز نظریه رهبر را نظریه تحمیلی بر خود ندانسته و نظریه حاکم را گزینش، بهترین نظریه در جامعه می‌دانند. (طالقانی، پیشین، صص ۴۷۲-۴۷۳)

د) کاهش ضریب خطاء

انسان‌ها، همواره در وادی سهو و خطا قرار دارند، برای کاستن خطا لازم است از کلیه فکرها و استعدادها استفاده بهینه شود. مشورت کردن موجب می‌شود که اندیشه‌ها با همدیگر تلفیق یافته و بر انتخاب روش و اندیشه صحیح منجر گردد و خطا کمتر پدید آید و در نهایت کارگزاران و حاکمان در مقام تصمیم‌گیری بتوانند بهترین اندیشه و راه را برگزینند که به نفع نظام، ملت و کشور باشد. (شکوری، پیشین، ص ۲۵۳)

هـ) استفاده از تأیید مردم

رسول خدا ﷺ با اینکه می‌داند نظر او صد در صد صحیح است، باز مشورت می‌کند، تا دیگران نیز همان نظریه صحیح را تأیید کنند و کاری را که انجام می‌گیرد مورد اتفاق و تأیید همه افراد باشد.

ز) دوری حکومت از استبداد

مشاوره رسول خدا که اولین شخصیت علمی، مذهبی روحانی کشور و لشکری حکومت اسلام است، می‌تواند بهترین دلیل بر استبدادی نبودن حکومت او باشد. (مکارم، پیشین، ص ۱۶۸)

ح) جلوگیری از انتقاد بی‌جا

کسی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می‌کند، اگر مواجه با پیروزی شود کمتر مورد حسد واقع می‌گردد؛ زیرا دیگران پیروزی را از آن خودشان می‌دانند و اگر با شکست مواجه شود، زبان اعتراض و ملامت مردم بر او بسته است؛ چون که کسی به نتیجه کار خودش اعتراض نمی‌کند، نه تنها اعتراض نخواهند کرد؛ بلکه دلسوز و غمخواری نیز می‌کنند.

ط) اسوه حسنه

«لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة»، (شکوری، پیشین، ص ۲۵۵)

همانا، برای شما رسول خدا اسوه حسنه خوبی است. رسول خدا دستور داشت، تا با امت خود مشورت کند و هم مشورت می‌کرد، تا برای همه مسلمانان و به خصوص رهبران و ادراه کنندگان کشورها سرمشق باشد؛ یعنی هنگامی که ببینند رسول خدا با آن همه عقل و درایت و عدم نیاز به آرای دیگران، با اصحاب خویش مشورت می‌کند. از این رو مسلمانان در می‌یابند که از مشورت بی‌نیاز نیست و در نتیجه میان همه مسلمانان بویژه رهبران کشور مشورت در امور مرسوم می‌شود. (مکارم، پیشین، ص ۱۹۷)

بنابراین، مشاوره رسول خدا و امامان معصوم برای پیاده کردن اهداف مزبور در جامعه می‌تواند باشند؛ اما بجاست که ریشه‌ها و علت‌های شورا را که به عنوان اصل اسلامی است به اندازه وسع این مقاله از جایگاه اجتماعی نیز پی بگیریم.

ریشه مشورت در امور اجتماعی

وقتی که ما بر جایگاه اصلی شوری، در آیه شریفه قرآن کریم می‌نگریم، می‌یابیم، این آیه شریفه که «شاورهم فی الامر» خود ابلاغ گر مشورت است مفهوم وسیعی را در بردارد و همه کارها

را شامل می‌شود. «از طرفی دیگر دایره آن محدود به غیر وحی می‌شود؛ ولی مسلم است که پیامبر هرگز در احکام الهی با مردم مشورت نمی‌کرد، بلکه در آن‌ها صرفاً تابع وحی بود. بنابراین، مورد مشورت، تنها طرز اجرای دستورات و نحوه پیاده کردن احکام الهی بود و به عبارت دیگر پیامبر ﷺ در قانونگذاری، هیچ وقت مشورت نمی‌کرد و تنها در طرز اجرای قانون نظر مسلمانان را می‌خواست. گواه بر این مطلب پرسش مردم از پیامبر بود؛ لذا هنگامی که پیامبر پیشنهادی را طرح می‌کرد، مسلمانان نخست سوال می‌کردند که آیا این يك حکم الهی است؟ و يك قانون است که قابل اظهار نظر نمی‌باشد و یا مربوط به چگونگی تطبیق قوانین می‌باشد؟ اگر از قبیل دوم بود اظهار نظر می‌کردند و اگر از قبیل اول بود تسلیم می‌شدند.» (داراب کلایی، ۱۳۶۸، ۳۳)

بدین صورت علت مشورت منحصر به کارهای اجتماعی به استثنا وحی می‌باشد.

کابرد قانون شورا از نظر اسلام در حوادث و موضوعاتی است که در صحنه اجتماعی مسلمین بوجود آمده و نصی در باره آن، نرسیده باشد و لذا هیچگاه پیامبر در تکالیف و وظایفی که بر وسیله وحی مشخص می‌باشد با کسی مشورت نمی‌کرد، بلکه آن حکم الهی را بیان می‌کرد. اگر همگان مخالف بودند ایشان به تنهایی مقاومت می‌کردند؛ ولی در موارد که خداوند متعال اجرای امور را به عهده خود مردم گذارده و آن را، از امور و کارهای مردم قلمداد می‌کرد، طبعاً در حوزه اختیارات مردم واقع شده و مردم درباره آن، حق اظهار نظر پیدا می‌کنند (مکارم، پیشین، ص ۱۷۰).

نکته ای مهم دیگر این است که

بررسی و مطالعه جوانب مختلف مسایل اجتماعی، باید به صورت دست جمعی انجام گیرد؛ اما هنگامی که طرح تصویب شد، باید برای اجرای آن اراده واحدی بکار افتد و در غیر این صورت هرج و مرج پدید می‌آید؛ زیرا اگر اجرای يك برنامه به وسیله رهبران متعدد، بدون الهام گرفتن از يك سرپرست صورت گیرد، قطعاً مواجه با اختلاف، شوری می‌تواند از هرج و مرج جلوگیری نماید و وحدت و یکدلی را در جامعه بوجود بیاورد و در اثرتجارب دیدگاه‌ها و تضارب افکار، مسایل افکار را، از نقص و عیب دور نگهدارد. در اسلام این اصل شورا چنان مهم است که بدون آن همه

کارها ناقص است. يك انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد، نسبت به مسائل مختلف تنها از يك و یا چند بعد می‌نگرد؛ لذا ابعاد دیگر بر او مجهول می‌ماند؛ اما هنگامی که مسایل در شورای مطرح می‌گردد و عقل‌ها و تجارب دیدگاه‌های مختلف به کمک هم بشتابند مسایل کاملاً پخته و کم عیب و نقص می‌گردد و از لغزش دورتر است، (مکارم، پیشین، ص ۴۶۲)

آیت الله مصباح، ریشه مشورت را در امور فردی و اجتماعی، منحصر در متخصصان و صاحب نظران می‌داند و در عین حال تأکید دارد که اصل شورا، يك اصل عقلانی است که شارع مقدس امضاء فرموده است. «مشورت با متخصصان و صاحب نظران، در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی، اصل کلی و مهمی است که در قرآن کریم و روایات تأکید زیاد شده است. اصل شورای يك اصل عقلانی است که مورد امضاء شارع مقدس اسلام هم هست. منظور از شورا بر این است که صاحب نظران گرد هم جمع شوند و موضوعاتی را طرح کرده درباره آن‌ها تبادل نظر کنند، تا هرچه بیشتر حق روشن شود.»، (مصباح، بی‌تا، ص ۹۶)

آیت الله سبحانی، مشورت را بر تمام جامعه اسلامی طبق آیه شریفه «امرهم شوری بینهم جاری می‌داند

که مشکلات خود را از راه شورا، تبادل افکار حل نماید. البته شورا و تبادل نظر مربوط به شکل اجرای يك اصلی است که برای نحوه پیاده کردن آن دستور خاصی وارد نشده است مانند: برنامه‌های مربوط به بالابردن سطح دانش و فرهنگ و گسترش عمران و آبادی، پی ریزی يك اقتصاد سالم و توزیع کالا میان مردم، و تشکیل ارتش و سپاه برای حفظ مرزهای اسلام بالاخره کلیه اموری که جامعه اسلامی در امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی خود به آن نیاز دارد (سبحانی، پیشین، ص ۴۵۲).

همین‌طور، آقای سبحانی راجع به آیه شریفه «و شاورهم فی الامر» می‌فرماید که از آیه وجوب مشورت استفاده می‌شود

بر حاکم اسلامی واجب است در امور جامعه، با مسلمانان مشورت کند و از استبداد و خودرأیی دوری گزیند. وظیفه دیگری که از این آیه استنباط می‌گردد، وظیفه مهم و بزرگ حاکم اسلامی است که بعد از مشورت، و شنیدن آراء گوناگون و بررسی و

مطالعه و جوانب مختلف، هرکدام از آن‌ها را که اصلح به حال است تشخیص داد

برگزینند (سبحانی، همان، ص ۴۵۶)

اینکه قرآن کریم بر مشورت پیامبر اکرم با مسلمانان و مشورت آنان، با یکدیگر تأکید می‌ورزد، تا اساس شورا و مشورت در شریعت اسلام همواره پابرجا و جاودان بماند، راز و رمز اینهمه تأکید بدان جهت است که مشورت موجب تبادل نظر و یکی شدن افکار و روشن شدن امور و اطمینان خاطر و مرتفع شدن خطاها و اشتباهات می‌گردد.

از آیه «امرهم شورا بینهم» عموم استفاده می‌گردد و همانگونه که مراد از ضمیر «هم» همه مسلمانان هستند؛ مشورت نیز باید، با همه آنان یا کسانی که از سوی مردم نمایندگی دارند صورت گیرد، تا افراد دلگرم‌تر شوند و در جریان عمل همکاری بیشتری نمایند. (منتظری، پیشین، ص ۷۹)

وجوب مشورت در امور و حوادث بر حسب نصوص آیات و سیره پیامبر اکرم از امور مسلمه است، دلالت (و شاورهم فی الامر) که پیغمبر مقدس اسلام و معصوم بدان خطاب و مکلف نموده است، بس واضح است. (لک زایی، پیشین، ص ۱۴۹)

استدلال بر آیه (امرهم شوری بینهم) این است که این آیه در سیاق جمله خبریه است. نحویون معتقدند که جمله خبریه تأکیدش بر امری است؛ حتی از صیغه امر (شاورهم فی الامر) بیشتر است، و آیه (امرهم شوری بینهم) که جمله خبریه است دلالت دارد بر این که وضع امور نوعیه در میان جامعه ایمانی چنین است و روش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علی علیه السلام بر این بوده است. با توجه به آیات ذکر شده به ویژه سوره‌های آل عمران و شوری می‌توان نتیجه گرفت که مشورت در امور بر ائمه اطهار علیهم السلام و نایبان ایشان و کلیه مدیران و تصمیم‌گیران در نظام اسلامی لازم است؛ زیرا وقتی شخص پیامبر با وجود علم لدنی به مشورت با اصحاب خود مامور می‌گردد، دیگران و بویژه افراد غیر معصوم به طریق اولی مأمور به مشورت بوده و مشاوره با صاحب نظران بر آنان امری لازم خواهد بود.

البته از راه‌های دیگری نیز می‌توان به اثبات وجوب مشورت بر رهبران غیر معصوم و کارگزاران جامعه استدلال کرد، مانند استدلال به اشتراك تکلیف مسلمانان با رسول خدا، مگر

در اموری که با دلیل خارج شده باشد و نیز اسوه بودن رسول خدا ﷺ برای مسلمانان و لزوم پیروی مسلمانان در اعمال و رفتار از آن حضرت. (طالقانی، همان، ص ۳۹۸)

ایشان معتقد است باید با شرکت دادن مردم در وظایف اجتماعی و مورد مشورت قرار دادن آن‌ها، آن‌ها نه مشورت صوری و تشریفاتی، بلکه واقعی و حقیقی، می‌توان آنان را صاحب رأی و مؤثر در سرنوشت خویش کرد. (داراب کلایی همان)

اما، راجع به الهی بودن حکومت پیامبر اکرم ﷺ نه مردمی بودن آن، مورد توافق و اجماع مسلمین است و اصلاً نمی‌تواند مورد بحث و نظر قرار گیرد؛ اما در مورد جانشینان پیامبر، تفکرات سیاسی شیعه با اهل سنت تفاوت چشمگیری دارد. اهل سنت قائلند که شورا فی الجمله در تعیین جانشینان پیامبر می‌تواند دخالت داشته باشد و برای اثبات نظر خودشان علاوه بر تمسک بر بعضی آیات و روایات، به شورایی که خلیفه دوم جهت تعیین خلیفه سوم تشکیل داد اشاره می‌کنند و آن را به عنوان عمل صحابی حجت می‌دانند. لکن شیعه معتقد است، همان‌گونه حکومت خود پیامبر از طرف خدای متعال مشروعیت و اعتبار پیدا کرده، حکومت ائمه نیز چنین بوده است و مسلمین نه تأثیری و نفوذی در تعیین و برگزیدن ایشان دارند، و نه می‌توانند در خصوص ولایت و حکومت‌شان؛ چون و چرا کنند، بلکه پیامبر به فرمان خداوند متعال ائمه را، به عنوان ولی امر مسلمین و متصدی تدبیر و اداره جامعه تعیین کرده است و در نتیجه عزل و نصب ائمه و نیز مشروعیت و اعتبار ایشان به رهبری و یا نفی آن به دست مردم نیست. (داراب کلایی، همان)

جایگاه شورا در دیدگاه اهل سنت

به جاست، به عنوان نمونه به برخی از آراء اندیشمندان اهل سنت، نسبت به نقش و جایگاه شورا به طور گذرا بحث را پی بگیریم. اکثریت قریب به اتفاق علمای اهل سنت معتقداند که شورا در امر رهبری و انتخاب و یا عزل حاکم اسلامی نقش دارد، به طوری که حاکم توسط شورا و اکثریت آراء انتخاب و یا معزول می‌گردد. از جمله نویسندگان تفسیر المنار می‌گوید: المعروف ان الحكومة الاسلاميه مبنية على اصول الشورى معروف ان است که تعیین حاکم اسلامی مبتنی بر اصل شورا است.»، (رشید رضا، بی‌تا، ۴۵)

همین طور، در تفسیر قرطبی می‌خوانیم «فأما الصحابه بعد استشار الله تعالى به علينا فكانو يتشاورون في الاحكام ويستنبطوها من الكتاب و السنه و اول ما تشاور فيه الصحابه الخلافه فان النبي لم ينص عليها» صحابه پس از فوت رسول خدا در احکام مشورت می‌کردند و آنان از کتاب و سنت استنباط می‌نمودند. اولین مسأله‌ای که صحابه پس از پیغمبر اسلام درباره‌ی آن، به مشورت نشست خلافت بوده؛ زیرا رسول خدا درباره آن دستور صریحی نداده بودند. (قرطبی، ۱۴۱۸، ص ۳۴)

همین طور، ابو‌الاعلی مودودی می‌نویسد: «کلیه امور حکومت از تأسیس و تشکیل گرفته، تا انتخاب رئیس کشور و اولی الامر، تا امور تشریحی و انتظامی، براساس مشورت، در میان اهل ایمان به اجرا گذاشته می‌شود. بدون ملاحظه اینکه مستقیم، یا بوسیله نمایندگان منتخب باشد.» (ابن تیمیه، ۱۴۲۶، ص ۱۷۰)

اختلاف دیدگاه اهل سنت نسبت به مفهوم شورا

ناگفته پیداست که برداشت و فهم دانشمندان اهل سنت نسبت به مفهوم و شناخت شورا از آیه‌های شورا در قرآن کریم، یکسان نیست. بدین سان، می‌توان نظریات آنان را، به طور کلی، به دو دسته قدیم و جدید مطرح کرد. نظریه‌های قدیم اهل سنت بیشتر به استحبابی و غیر الزامی بودن شورا نظر داشتند؛ اما نظریه‌های جدید نظام سیاسی اهل سنت، نوعاً غیر الزامی و وجوب شورا را در تصمیمات سیاسی توجه دارند. در اینجا شایسته است که به طور اجمال این دو دیدگاه را در اندیشه‌های اهل سنت بیان کنیم.

الف) نظریه غیر الزامی بودن شورا

بسیاری، از اندیشمندان قدیم اهل سنت عقیده داشتند که شورا برای حاکم الزام آور و واجب نیست، بلکه صرفاً امری مستحب و پسندیده است. به هر حال به نظر آن‌ها حاکم اسلامی می‌تواند، بدون مشورت یا حتی با يك نفر اهل شورا تصمیم بگیرد و عمل کند؛ اما هیچ دلیلی وجود ندارد که بر وجوب شورا بر حاکم دلالت نماید. این نظریه را به امام محمد ابن ادریس شافعی رئیس مذهب شافعی، قناد بن دعامه، ربیع بن انفس حنفی، محمد بن اسحاق از قداما،

اهل سنت نسبت می‌دهند. مطابق این نظریه شورا صرفاً یکی از راه‌های کسب علم و آگاهی برای حاکم است و هرگز الزامی نیست. بنابراین لازمه شورا لزوم تبعیت از رأی اکثریت نیست. از عبارت ابن تیمیه در کتاب السياسة الشرعية نیز چنین برمی‌آید که حاکم در شرایط اختلاف آرا مختار است، بدون توجه به اکثریت یا اقلیت، آنچه خود می‌پسندد انتخاب می‌کند، به نظر وی، حاکم هنگام اختلاف رأی با اهل شورا ملزم به تبعیت از آنان نیست. (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۸۴) اندیشه فوق در میان متفکران جدید نیز طرفدارانی دارد، از جمله حسن البناء رهبر جنبش اسلامی اخوان المسلمین است که می‌گوید «در مفهوم اسلامی شورا اقل و اکثر بودن شرط نیست؛ زیرا رهبر جامعه اسلامی که بنا به فرض امین آن جامعه است، آراء مختلف را می‌شنود. و سپس از میان همه آراء، آنچه را که برای خود قابل توجیه است اخذ نموده تنفیذ می‌کند. شورا در شریعت اسلامی مشروع است ولیکن الزامی نیست. پس هرگاه حاکم اسلامی در بین آراء مختلف چیزی پیدا کرد که در راستای دلایل شریعت موجب اطمینان نفس او شد به همان رأی عمل می‌کند و در غیر این صورت حاکم مختار است هر نظری را که خواست اتخاذ می‌نماید»، (فیرحی، همان)

ب) نظریه وجوب و الزامی بودن شورا

بر خلاف دیدگاه فوق، تعدادی از اندیشمندان قدیم و بسیاری از معاصران اهل سنت به وجوب شورا در امور حکومتی نظر دارند. به نظر آنان، شورا برای حاکم واجب است و او نمی‌تواند بدون مشورت مسلمانان تنها به رأی خود عمل کند و همچنان که امت اسلامی نمی‌تواند از مشاوره در کار حاکم امتناع ورزند.

بدین‌سان، حاکم مستبد با مشورت نکردن مرتکب گناه می‌شود و امت اسلامی نیز در صورت عدم مداخله و مشاوره در واقع واجب شرعی امر به معروف و نهی از منکر را ترك و گناه می‌کند. ابن عطیه در تفسیر خود می‌نویسد: شورا از قواعد شریعت و ستون‌های محکم احکام اسلامی است و کسی که با اهل علم و دین مشورت نکنند عزلش واجب است. به نظر مودودی: رئیس دولت اسلامی و کارگزاران او حتماً باید مشورت کند و با نظر به

رضایت و رأی مسلمانان نظام حکومت را با شورا امضاء و اداره نماید. او چنین می‌اندیشد که قرآن هرگز نگفته است حاکم آراء مسلمانان را نیز دریافت کند، بلکه با شورا امور مردم را اداره کند. به همین ترتیب محمد عبده، رشید رضا، شیخ شلتوت و دیگر معاصران چنین نظری دارند. رشید رضا در تفسیر المنار تأکید می‌کند که امام باید مطابق رأی اکثریت عمل نماید، هر چند مخالف باشد و نظرش بهتر و درست‌تر از رأی جمع باشد؛ زیرا در پیروزی از اکثریت نفع آینده مسلمانان نهفته است. محمد سلیم العواء نیز می‌نویسد: واقعیت این است که شورا بدون توجه به رأی اکثریت بی‌معنا خواهد بود و وجوب شورا بر امت اسلامی مقتضی التزام به رأی اکثریت و لزوم عمل مطابق اکثریت است. (همان) به هر حال شورا در اندیشه اهل سنت و به طور کلی نصوص اسلامی جایگاهی خاصی دارد.

نتیجه

بدین ترتیب از مجموع مطالب که گفته شد به این جمع بندی و نتیجه کلی می‌رسیم که مشورت اساسی‌ترین پایه‌های رشد فکری زندگانی انسان‌ها، به خصوص مسلمانان در همه امور می‌باشد. دلیل واضح و گویائی بر این مطلب دستور خداوند بر پیامبر بزرگوارش می‌باشد که فرمود: «شاوهرم فی الامر» و کلمه شاوهرم همه ظهور در وجوب دارد، اگرچه عده‌ای قایل به استحباب مشاوره هستند؛ ولی صیغه امر در صورت ظهور در استحباب دارد که قید زاید داشته باشد و در این مورد قید زاید وجود ندارد، پس ظهور در وجوب مشورت اثبات می‌گردد. علاوه بر این، آیات و روایت که ذکر شده تأیید و تأکید بر این مطلب را به گونه شفاف تبیین می‌نمایند.

همین‌طور همه موارد که در بالا مطرح گردید، بالصراحه بیانگر مبانی فقهی شوری است و از طرفی اشاره شد، که قلمرو و محدوده شورا بسط وسیعی دارد که همه کارها را شامل می‌شود. منتهی بوضوح می‌بینیم که مبانی فقهی شوری که همان آیات و روایات، حکم عقل و سیره بودند که گویائی برخی از ریشه‌ها و اهداف شورا نیز می‌باشد.

آنچه که از آراء اندیشمندان اهل سنت استفاده می‌شوند، این است که حکومت اسلامی را بر اصول شورا استوار می‌داند. بالاخره دو دیدگاه متفاوت نسبت به شورا مطرح گردید که

تعدادی قایل به استحباب شورا بودند. متفکران قدیم، به رغم قول به وجوب شورا، نوعاً عقیده داشتند که حاکم اسلامی الزامی به قبول نظر اهل شورا ندارد و آنان شورا را از منابع علم و اجتهدی حاکم می‌دانستند که بدون هر گونه الزامی مختار بود که هر رأی و تصمیم خود اتخاذ نماید؛ اما بسیاری از اندیشمندان جدید اهل سنت چنین می‌اندیشند که شورا نتیجه تصمیمات آن، برای حاکم الزامی است، رهبر و حاکم جامعه اسلامی باید به رأی اکثریت تن دهد، هر چند به نظر او نادرست بنماید. از طرفی مشورت نکردن را گناه می‌داند و در کنار امر به معروف و نهی از منکر قایل هستند. اگر حاکم مشورت انجام ندهد عزلش واجب است. همین طور، اگر مردم از مشورت سرباز زند مرتکب گناه می‌شود؛ اما نسبت به مبانی فقهی شورا تردید ندارند، چه آنان که شورا را می‌گفتند استحباب دارند و چه آنان که قایل به وجوب بودند، همه روی این مطلب تاکید دارند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- آمدی، عبد الواحد، ۱۴۱۰، غررالحکم ودررالكلم، قم، دارالکتاب.
- ابن تیمیه، احمد، ۱۴۲۶، السياسه الشرعیه، محقق علی بن محمد العمران، جده، مجمع الفقه الاسلامی.
- احمد بن فارس، ۱۴۰۴، مقایس اللغه، ج ۳، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- اصفهانی، ابی الفرج، بی تا، مقاتل الطالبین، بیروت، انتشارات دار المعرفه.
- اصفهانی، راغب، ۱۴۱۶، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم.
- انصاری قرطبی، محمد، ۱۴۱۸، الجامع الاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، طبع ۱، بیروت، دار الکتب العربی.
- برقی، احمد بن محمد، ۱۴۱۶، المحاسن، قم، مجمع العالمی اهل البيت.
- جصاصی، ابوبکر احمد بن علی، ۱۴۱۲، احکام القرآن، تحقیق محمد صادق قمحوی، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تسنیم، قم، مرکز نشر اسرا.
- الحرانی، حسین، ۱۳۷۳، تحف العقول عن آل الرسول، بی جا، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه.
- حکیمی، محمد رضا، ۱۴۰۱، الحیاء، طهران، نشر دائرة الطباعة و النشر.
- داراب کلایی، اسماعیل، ۱۳۶۸، شورا در حکومت اسلامی و تقنین، مجله نور علم، شماره ۳۳.
- رشید محمد رضا، بی تا، تفسیر المنار، بیروت، نشر دار المعرفه.
- زبیدی، سید محمد مرتضی، ۱۳۷۳، تاج العروس من الجواهر القاموس، بیروت، انتشارات دار الفکر.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۷۰، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه داوود الهامی، قم، انتشارات موسسه علمی و فرهنگی سید الشهدا.
- شکوری، ابوالفضل، ۱۳۷۷، فقه سیاسی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات.
- شهریاری، حمید، ۱۳۸۵، شورا در فتوا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صدوق محمد، ۱۳۷۲، عیون الاخبار الرضا، تهران، نشر صدوق.

- طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۰، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی.
- طالقانی، سید محمود، ۱۳۵۹، از آزادی تا شهادت، تهران، انتشارات ابوذر.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۹۰، مکارم الاخلاق، مترجم لطیف راشدی، تهران، صبح پیروزی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۴۰۳، قم، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، منشورات المكتبة آیه الله مرعشی نجفی.
- عاملی، محمد، ۱۴۱۴، وسایل الشیعه، قم، آل البيت. (باب ۲۱، از ابواب احکام العثرة الحديث).
- فیرحی، داوود، ۱۳۸۲، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- فیض الاسلام، سید علینقی، ۱۳۷۳، بی جا، ترجمه و شرح نهج البلاغه، انتشارات فیض الاسلام.
- قاضی زاده، کاظم، ۱۳۸۴، جایگاه شورادر حکومت اسلامی، تهران، نشر عروج.
- لک زای، نجف، مجموعه مقالات فقیه سیاسی، مقاله در نظام شورای در اندیشه سیاسی آیت الله طالقانی، علی شیرخانی به نقل از تنبیه الامه و تنزیه المللة پاورقی سید محمود طالقانی.
- مجلسی، محمد تقی، ۱۴۰۳، بحار الانوار، ج ۵، نشر بیروت.
- مصباح، محمد تقی، بی تا، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، پیام قرآن، تهران، ناشر دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۳، تفسیر نمونه، طهران، دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسین علی، ۱۳۶۷، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمد صلواتی، تهران، انتشارات کیهان.
- نائینی، محمد حسین، ۱۳۶۱، تنبیه الامه و تنزیه الملله، (مقدمه و پاورقی سید محمود طالقانی)، تهران، شرکت سهامی انتشار.